



University of Zanjan
The Journal of

Ethical Reflections

Vol.1, No.3, Autumn, 2020, pp. 9-27.

Online ISSN: 2717-1159 / Print ISSN: 2676-4810

<http://jer.znu.ac.ir>

The Virtue of Forgiveness from the View Points of Proponents and Opponents

Sahar Kavandi ¹

Abstract

In religious and ethical teachings, amnesty and forgiveness are among basic and practical notions in individual and social reform and transcendence. Today, an important question that arises is whether forgiveness is always a virtue or not. Forgiveness is at the core of Christianity and being forgiven by God is indebted to being forgiven by individuals. The ancient Greeks, and today, some Westerners not only believe forgiveness is not a virtue, but also think it indicates an individual's weakness and imperfection. Accordingly, the present study proposes and evaluates the proponents and opponents' reasoning with regard to forgiveness. According to Islamic teachings, it seems that forgiving every type of mistake with varying degrees of error and fault is not a virtue. Thus, the forgiver's capabilities, and the extent and type of fault, and the wrongdoer's dispositions, such as remorse, compensation, or insistence on fault should be considered. Forgiveness is a great virtue in Islamic teachings, and although retaliation and administration of justice guarantee safety and security and control over wrongdoers, such solutions as negligence, forgiving without any expectations in return, forgiving for the sake of righteousness, encompassing all individuals, etc. make it simpler to forgive. In the same vein, by highlighting its earthly and unearthly and individual and social consequences, peace and tranquility for all are demanded in Islamic teachings .

Keywords: Amnesty, Forgiveness, Revenge, Islamic Ethics, Virtue.

Received: 19 Jan 2021 | Accepted: 13 Mar 2021

¹. Associate Professor of Philosophy, University of Zanjan. Email: drskavandi@znu.ac.ir.



دانشگاه زنجان

فصلنامه تأملات اخلاقی

سال اول، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۹، صفحات ۹-۲۷.

شاپا الکترونیکی: ۲۷۱۷-۱۱۵۹

شاپا چاپی: ۴۸۱۰-۲۶۷۶

فضیلت بخشودن از نظر موافقان و مخالفان

سحر کاوندی^۱

چکیده

عفو و بخشودن، در متون دینی و اخلاقی یکی از مفاهیم بنیادی و کاربردی در راستای اصلاح و تعالی فردی و اجتماعی محسوب می‌شود. امروزه یکی از مباحث مطرح در این حوزه، آن است که آیا بخشودن، همواره یک فضیلت است یا نه؟ در سنت مسیحیت، گذشت، یکی از ارکان دین محسوب شده و امید به بخشوده شدن از سوی خداوند منوط به بخشودن فرد دانسته شده است. یونانیان باستان و نیز عده‌ای در فرهنگ غربی، امروزه نه تنها گذشت را فضیلت تلقی نکرده، که آن را حاکی از ضعف نفس و زبونی شخص می‌دانند. در این مقاله دلایل موافقان و مخالفان بخشودن طرح شده و مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. با توجه به آموزه‌های اسلامی به نظر می‌رسد بخشودن هر خطاکاری با هر درجه از لغزش و خطا، امری فضیلت‌مندانه محسوب نمی‌شود؛ در این راستا باید قابلیت قابل، میزان و نوع خطا، حالات شخص خطا کار مانند پشیمانی او، قصد جبران و یا اصرار او بر خطا و ... در نظر گرفته شود. تعالیم اسلامی عفو را فضیلتی بزرگ دانسته و با وجود آنکه قصاص و نیز اجرای عدالت را مایه حیات، ضامن امنیت نظام و کنترل خطا کاران تلقی کرده، با ارائه راهکارهایی همچون تغافل، انجام آن بدون منت‌گذاری و صرفاً به جهت درستی عمل، گسترده کردن محدوده‌ی آن به همه انسان‌ها و ... راه را برای بخشودن هموارتر کرده و با بیان پیامدهای دنیوی و اخروی و نیز فردی و اجتماعی آن، خواستار صلح و آرامش همگان شده است.

واژگان کلیدی: عفو، بخشودن، انتقام، اخلاق اسلامی، فضیلت.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۳۰ / تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۲۳

۱. دانشیار فلسفه دانشگاه زنجان. Email: drskavandi@znu.ac.ir

بخشودن و عفو یکی از مفاهیم بنیادین در نظام اخلاقی و دینی است و به یقین یکی از فضایل مهم اخلاقی و دینی محسوب می‌شود؛ چنانکه از جمله صفات الهی عفو و گذشت خداوند نسبت به بندگان است همانگونه که امام سجاد(ع) در مناجات خود می‌گوید: «أنت الذی سمیتَ نفسک بالعفو، فاعفُ عَنی»^۱ (صحیفه سجادیه / دعای ۱۶). در سنت مسیحیت نیز این امر، مسئله‌ای محوری بوده و در کانون این دین جای دارد. آنچه در این مقاله در صدد توضیح و تبیین آن هستیم آن است که مراد از بخشودن و عفو چیست؟ آیا بخشودن به طور مطلق فضیلت و ناشی از قوت نفس است یا در مواردی می‌تواند از ضعف نفسانی نشأت گرفته باشد؟ آیا انگیزه فرد بخشاینده به هنگام بخشش اهمیت دارد؟ برای رهایی خود و کاستن از نفرت و کینه خویش باید بخشید یا رها ساختن فرد خطاکار؟ آیا بخشودن، صرفاً، پس از باور به «خطای» صورت گرفته از جانب یک فرد اطلاق می‌شود یا به بخشودن قرض و ... نیز تعلق می‌گیرد؟ دلایل موافقان و مخالفان این مسائل چیست؟ در این مقاله تمرکز بر موضوع بخشودن اشخاص به هنگام انجام کار خطا توسط شخص یا اشخاص دیگر است و از عفو الهی که مقوله‌ای متفاوت بوده و متأثر از انگیزه‌ها و اغراض خاص و برآمده از نفرت و بدخواهی نیست، بحثی نشده است.

۱. معناشناسی بخشودن

«بخشودن» و «بخشایش» در لغت به معنای رحم، شفقت، عفو، از جرم و گناه کسی در گذشتن و آمرزش است (دهخدا، ۱۳۷۷؛ معین، ۱۳۸۶، ذیل واژه بخشودن و بخشایش)^۲. با توجه به آنکه در متون و نصوص دینی و اخلاقی، واژه «عفو» هم معنا و مترادف بخشودن است، لذا به معناشناسی لغوی و اصطلاحی این واژه و واژگان مترادف آن، در کتب لغت و آثار اخلاقی، پرداخته می‌شود.

«عفو» در لغت به معنای پاک کردن، امحاء، حذف، بخشش، گذشت، لطف و آمرزش است (آذرنوش، ۱۳۸۵، ذیل واژه عفو) و مترادف با غفران و مغفرت (خطا و گناه) و صفح (از اهانت و توهین) است. عفو در نزد اخلاقیون مسلمان عبارت است از: اسقاط آن چیزی که فرد از قصاص و غرامت، مستحق آن است (القزوی، ۱۳۸۰، ص ۱۹۳)؛ سهولت ترک مکافات بر بدی با وجود قدرت بر آن (همان، ص ۶۰)؛ ترک عقوبت گناهکار در حال قدرت بر او (واعظ کاشفی، ۱۳۹۳، ص ۱۰۱)؛ صرف نظر کردن از حق قصاص یا غرامت (نراقی، ۱۳۸۹، ص ۳۶۷)؛ عفو آن است که استحقاق حقی داشته باشی و از آن بگذری از قبیل قصاص یا غرامت، و آن غیر از فرو خوردن خشم و حلم است

۱. تو آنی که خود را به عفو و گذشت نام نهادی، پس از من درگذر.

۲. بخشیدن به معنای دهش، عطا و انعام است (دهخدا، ۱۳۷۷ و معین، ۱۳۸۶، ذیل عنوان بخشیدن).

میان بخشودن و بخشیدن هم از نظر دستوری، صیغه های صرفی و مشتقات فعل و هم از نظر معنایی تفاوت است؛ با این همه از قدیم تا امروز «بخشیدن» به جای «بخشودن» به کار رفته است (ابوالحسن نجفی، ۱۳۷۱، ص ۶۰-۶۱).

(کاشانی، ۱۴۲۶، ج ۵، ص ۳۷).

برخی از اخلاقیون عفو را از طریق معنای سلبی (تعریف به ضد)، تعریف کرده‌اند: «عفو، ضد انتقام کشیدن است» (نراقی، ۱۳۸۶، ص ۲۱۸)؛ «عفو آن بود که بر نفس آسان بود ترک مجازات به بدی یا طلب مکافات به نیکی، با حصول تمکن از آن و قدرت». راغب در مفردات الفاظ القرآن می‌گوید: «عفو در اصل به معنای قصد کردن برای گرفتن و به دست آوردن چیزی است. «عفا» و «اعتفاه» یعنی برای گرفتن چیزی قصد او کرد و به نزد او رفت. «عَفَوْتُ عَنْهُ» یعنی قصد کردم تا گناهش را زایل کنم و از آن درگذرم. بنابراین، عفو همان بخشودن و نادیده گرفتن و اغماض از گناه است و آیه «خذ العفو» یعنی با اغماض، تسامح و تساهل رفتار کن» (راغب اصفهانی، ۱۳۸۵، ص ۳۰۶).

صفح به لحاظ لغوی به معنای ترک سرزنش و نکوهش است، اما از نظر معنا همانند عفو است؛ لکن از آن بلیغ‌تر و رساتر است. در آیه «فَاعْفُوا وَاَصْفَحُوا حَتَّىٰ يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرٍ» (بقره/۱۰۹) ذکر عفو و صفح در کنار هم، از آن جهت است که گاهی انسان کسی را عفو می‌کند، ولی همچنان او را نسبت به عمل زشتش مورد سرزنش قرار می‌دهد؛ لذا قرآن ضمن توصیه به عفو، واژه صفح را نیز آورده است (همان، ص ۲۵۳-۲۵۴).

عَفْرَ به معنای لباس پوشاندن به کسی است تا بدن او از چرک و آلودگی مصون بماند، و غفران و مغفرت خداوند به این معناست که بنده را از عذاب مصون بدارد. گاهی گفته می‌شود: «عَفَّرَ لَهُ»، مقصود گذشت ظاهری است نه باطنی، مانند: «قُلْ لِلَّذِينَ آمَنُوا يَغْفِرُوا لِلَّذِينَ لَا يَرْجُونَ أَيَّامَ اللَّهِ» (جاثیه/۱۴) (همان، ص ۳۲۵).

آنچه از مجموع تعاریف اخلاقیون مسلمان به دست می‌آید آن است که بخشودنِ خطا و لغزش با شرایطی محقق می‌شود: اول آنکه، این امر باید به آسانی و سهولت انجام پذیرد که با نظر به تعریف خَلَقَ (ملکه‌ای است برای نفس که اقتضاء می‌کند افعال از آن به سهولت و بدون فکر و اندیشه صادر شود) (القزوینی، ۱۳۸۱، ص ۳۲) باید ملکه نفس بوده و نفس بدان خو گرفته باشد: «خودت را به گذشت و جوانمردی عادت بده»^۱ (مجلسی، ۱۴۲۵، ج ۷۴، ص ۲۱۵؛ ج ۷۴، ص ۲۳۴؛ حرّانی، ۱۴۰۴، ص ۸۶) یا «فتوت و بزرگ‌منشی ما خاندان رسالت، عفو و اغماض از کسی است که به ما ظلم کرده و بذل و عطا به کسی است که ما را محروم کرده است»^۲ (صدوق، ص ۲۸۹؛ مجلسی، ج ۶۸، ص ۴۱۴). دوم آنکه، بخشاینده، قدرت و تمکن بر مجازات و مکافات داشته باشد و از سر ناچاری، عدم امکان و یا عدم قدرت بر مجازات، فرد خطاکار را بخشیده باشد: «نیکوترین عمل انسان مقتدر و توانا، عفو و گذشت است»^۳ (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۲۴۶)؛ «عزیزترین بندگان نزد خدا کسی است که وقتی به قدرت رسید، عفو کند»^۴ (نراقی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۳۰۳)؛ «باگذشت‌ترین

۱. عَوَدَ نَفْسِكَ السَّمْحَ.

۲. مَرَوْتَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ الْعَفْوُ عَمَّنْ ظَلَمْنَا وَ إِعْطَاءٌ مِنْ حَرَمِنَا.

۳. أَحْسَنُ أَعْمَالِ الْمُقْتَدِرِ، الْعَفْوُ.

۴. أَعَزُّ الْعِبَادِ عَلَى اللَّهِ الَّذِي إِذَا قَدَّرَ عَفَى.

مردم کسی است که با وجود قدرت عفو کند»^۱ (مجلسی، ۱۴۲۵، ج ۷۵، ص ۱۲۱). سوم آنکه، فرد بخشاینده، به درستی مستحق حقی مانند قصاص یا مجازات باشد. چهارم آنکه، بخشودن علاوه بر درگذشتن از حقی که فرد، مستحق آن است متضمن نوعی پاک نمودن درون خود از کینه، بدخواهی، سرزنش و اهانت نسبت به فرد خطاکار است (با لحاظ هم معنا بودن واژه عفو و صَفْح، و عطف آن دو به یکدیگر در قران)؛ «وَلْيَعْفُوا وَلْيَصْفَحُوا» (نور/ ۲۲)؛ «صَفْح جَمِيل، عَفْو بدون عتاب و سرزنش مجرم است» (طبرسی، ۱۴۰۸، ج ۶، ص ۳۴۴). پنجم آنکه، بخشودن اعم از گذشت در برابر خسارات جانی (قصاص) و خسارات مالی (غرامت) است.

۲. فضیلت بخشودن

یکی از مباحثی که امروزه در باب بخشودن طرح می‌شود آن است که آیا بخشودن، همواره یک فضیلت و در نتیجه امری ستودنی است؟ آیا بخشودن همیشه مجاز و رواست؟ یا در مواردی می‌توان گفت بخشودن، فضیلت نیست؟

در سنت اسلامی عفو و بخشودن یکی از فضایل، بلکه برترین فضایل محسوب شده است «العفو تاج المکارم» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۲۴۵)؛ «پیشدستی نسبت به بخشودن از اخلاق بزرگواران است»^۲ (تمیمی آمدی، ص ۲۴۵، ح ۵۰۰۵) و اخلاقیون مسلمان، آن را از جمله فضایل فرعی تحت فضیلت سخا که خود از فضایل تحت جنس فضیلت عفت است، به‌شمار آورده‌اند (طوسی، ۱۳۸۵، ص ۱۱۵). بسیار بخشاینده (عفو) بودن خداوند و تشبیه انسان به خدا در افعال و اوصاف، فضیلت بودن بخشودن را تقویت کرده و جای شبهه‌ای را در آن باقی نمی‌گذارد؛ کما اینکه می‌توان آیه «إِنَّ تَعْفُوا إِقْرَبَ لِلتَّقْوَى» (بقره/ ۲۳۸) و نیز احادیث مربوط به ذم و تقیح غیربخشندگان را تصریح و تأکیدی بر فضیلت بودن اجمالی بخشودن به حساب آورد: «بدترین مردم کسی است که خطای دیگران را نمی‌بخشد و از لغزش آنها نمی‌گذرد»^۳ (مجلسی، ۱۴۲۵، ج ۷۴، ص ۶۸). کیفیت، حد و گستره‌ی بخشایش بحث دیگری است که باید بدان پرداخت.

در سنت مسیحیت نیز گذشت و بخشش، یکی از ارکان اصلی این دین محسوب شده و مسیحی گناهکار و نیاز او به نجات و آمرزیده شدن، هسته‌ی اصلی روایت تجسد عیسی مسیح و قربانی شدن او بر سر صلیب است. بر اساس تعالیم مسیحیت چون ما گناهکاریم، پس همه نیازمند به بخشایشیم و اگر امیدی به بخشوده شدن از سوی خداوند داریم، نخست باید خودمان دیگرانی را که متعرض ما شده‌اند، ببخشاییم (گارارد و مک ناتون، ۱۳۹۲، ص ۳۱). اما بخشودن نزد یونانیان باستان، فضیلت شمرده نمی‌شده و امروزه نیز در غرب بخشودن را کمتر یک فضیلت محسوب می‌کنند.^۴ با توجه به آنکه

۱. إِنَّ أَعْفَى النَّاسِ مَنْ عَفَى عَنْ قُدْرَةٍ.

۲. المبادرة إلى العفو من أخلاق الكرام.

۳. شرَّ الناس من لا يقبل الذنب ولا يقبل العثرة.

۴. برای بحث مبسوط و نظام‌مند فلسفی درباره بخشودن از جمله تاریخچه تکوین و تحول این اندیشه که بخشودن نوعی فضیلت است، مراجعه کنید به

احساسات افراد در مورد بخشودن از فرهنگی به فرهنگ دیگر و حتی در یک فرهنگ، از فردی به فرد دیگر متفاوت است، لذا این احساسات نمی‌توانند راهنمای عمل ما در این مورد باشند و تنها با بررسی دلایل له و علیه بخشودن می‌توان به موضعی پایدار در این مسئله دست یافت (همان، ص ۲۳). بر همین اساس ابتدا به بررسی دلایل موافقان بخشودن و سپس مخالفان آن و در نهایت بررسی آنها خواهیم پرداخت.

۲-۱. دلایل موافقان فضیلت بخشودن

صحنه‌های مختلفی از کشتار و شکنجه‌های بی‌رحمانه دشمن در جنگ هشت ساله علیه مردم بی‌دفاع و مظلوم ایران را به‌خاطر آورید، در برخی از موارد بمب‌ها در بیمارستانها، مدارس و کوچه و خیابان فرود می‌آمدند، ساختمان‌ها را ویران و کودکان و مردم بی‌گناه را تکه تکه می‌کردند؛ یا عملیات تروریستی مختلف در کشور خود و دیگر کشورها را به یاد آورید که در هر یک از آن عملیات‌ها افراد بی‌گناه چنان تکه پاره شدند که حتی اعضا و اجزای بدن آنها هم یافت نشد؛ آیا باید مسببان چنین اعمالی را بی‌قید و شرط بخشید؟ دلیل یا دلایل موافقان چنین بخشودنی چیست؟

۲-۱-۱. احساس قوت و آرامش روانی

پس از آنکه ستم و جفای بزرگی در حقمان روا داشته می‌شود، آیا نگه داشتن حس خشم و نفرت در دلمان نسبت به افراد جفاپیشه پسندیده است؛ یا چشم‌پوشی از حس نفرت و انتقام و وانمود کردن آنکه چنین اعمالی رخ نداده و اهمیتی نداشته است؟ طرفداران گذشت عموماً معتقدند بخشودن، هم فرد بخشاینده و هم فرد بخشوده شده را رها و قوی ساخته و شخص نسبت به خود و زندگی خویش احساس بهتر و قدرت بیشتری خواهد داشت؛ بر این اساس، با توجه به شفافبخش بودن بخشودن از منظر این افراد، قربانیان باید بی‌قید و شرط ببخشایند (همان، ص ۲۷). روایات متعددی از معصومین(ع) که دلالت بر عزت و بزرگی فرد بخشاینده داشته و یا امید بخشش از سوی خدا را منوط به بخشش شخص کرده و نیز عدم بخشش و انتقام را روش فرومایگان معرفی می‌کند، همگی حکایت از تأثیر عفو و بخشودن بر احساس نزدیکی به خدا، حس خوشایند رها شدگی و عزتمندی در شخص بخشاینده دارد: «بر شما باد عفو و گذشت؛ چرا که عفو بر عزت و سرافرازی بنده می‌افزاید. شما ببخشید. خداوند شما را عزیز و سرافراز می‌گرداند» (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۱۰۸؛ مجلسی، ۱۴۲۵، ج ۶۸، ص ۴۰۱)؛ «هر کس عفو و گذشت داشته باشد، خدا نیز از او گذشت خواهد نمود»^۲ (مجلسی، ۱۴۲۵، ج ۷۴، ص ۱۳۵؛ پاینده، ۱۳۸۲، ص ۷۳۴)؛ «مبادرت به انتقام، روش مردمان فرومایه و پست است»^۳ (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۳۴۶).

۱. غَلِیْکُمْ بِالْعَفْوِ، فَإِنَّ الْعَفْوَ لَا یَزِیدُ الْعَبْدَ إِلَّا عِزًّا فَتَعَاوَا یَعِزُّکُمُ اللَّهُ.

۲. مَنْ یَعْفُ، یَعْفُ اللَّهُ عَنْهُ.

۳. الْمُبَادَرَةُ إِلَى الْإِنْتِقَامِ مِنْ شِیْمِ اللَّئَامِ.

سنت مسیحیت بر این باور است که ریشه این بحث را باید در تعالیم و آموزه‌های مسیحیت جستجو کرد؛ مبنی بر اینکه دوام خطاکاری در انسان و به دنبال آن پذیرش احساس گناه، امکان و نیاز به بخشودن را به طور دائمی در فرد به وجود می‌آورد و در این راستا میل به تشبه به نیکی و مهربانی و گذشت خداوند، این عمل را جذاب‌تر و پسندیده‌تر می‌کند.

در این نگاه شفا بخشانه به بخشودن، به نظر می‌رسد این کار صرفاً با در نظر گرفتن منافع و خیر شخص بخشنده و حداکثر دیگرانی غیر از فرد خطاکار، صورت می‌پذیرد؛ اینکه فرد قربانی می‌تواند زندگی آسوده‌تری را پی بگیرد یا به این ترتیب چرخه خشونت پایان می‌پذیرد، در عمل نادیده گرفتن رابطه قربانی با فرد خطاکار است و حال آنکه باید در نظر داشت که بخشایش «هدیه‌ای» است که بخشاینده به فرد خطاکار عطا می‌کند (گارارد و مک ناتون، ۱۳۹۲، ص ۴۱).

همچنین اگر در دفاع از بخشودن بی‌قید و شرط، آن را نوعی «سخاوت» و «بلند نظری» بدانیم - کما اینکه در اخلاق اسلامی نیز عفو و بخشایش فضیلت فرعی «سخا» است و در واقع، بر این اساس، سخاوت از اجزای اصلی بخشودن به شمار می‌رود (طوسی، ۱۳۸۵، ص ۱۱۵) - برداشت شفا بخشانه که صرفاً خیر و صلاح فرد بخشاینده را در نظر می‌گیرد، آن معنا را تأمین نخواهد کرد؛ چرا که معمولاً ماکاری را که شخص به خاطر تأمین نفع و صلاح خود انجام دهد، بلند نظرانه و سخاوتمندانه تلقی نمی‌کنیم (گارارد و مک ناتون، ۱۳۹۲، ص ۴۵). نیز نگاه شفا بخشانه به بخشودن و نوعی خودپروی (تمرین روانی) تلقی نمودن آن، هرگز به ما نشان نمی‌دهد که چرا عمل بخشودن به لحاظ اخلاقی، امری ستودنی و تحسین برانگیز است؛ در حالی که بخشودن یک «فضیلت» است و همچون سایر فضایل برای دستیابی به آن و حفظ و تداومش نیازمند تلاش فراوان (همان، ص ۴۷؛ ارسطو ۱۳۸۵، ص ۱۱۰۳ b، ص ۵۴).

۲-۱-۲. بخشودن، جلوه‌ای از انسانیت، مهربانی و صبوری

عده‌ای بر این باورند که با توجه به اینکه انسانیت و شفقت، جزو بزرگترین فضایل بشری هستند، دلیل ما برای بخشودن افراد همان دلایلی است که برای انسان بودن و مشفق بودنمان داریم. با وجود آنکه گذشت همچون سایر فضایل سبب تسهیل زندگی ما می‌شود، اما شخصی که واقعاً می‌بخشاید هدفش خیر و صلاح فرد بخشوده شده است. در حالی که به نظر می‌رسد همین در کانون توجه بودن فرد خطاکار، فضیلت بودن بخشودن را دچار تردید می‌کند؛ آیا خیرخواهی و شفقت و نظر سخاوتمندانه نسبت به فرد خطاکار، که در واقع چنین استحقاقی ندارد، به لحاظ اخلاقی درست و پسندیده است؟ شاید «انصاف» حکم می‌کند چنین رفتاری را نسبت به هموعان درست کار و مهربان با خود داشته باشیم. آیا این نافی عدالت نیست؟ آیا قربانیان، استحقاق برخورداری بیشتری از این توجه و خیرخواهی را ندارند؟ (همان، ص ۴۸-۴۹)

بر اساس دلایلی که موافقان بخشودن ارائه می‌کنند یا باید صرفاً آسودگی خاطر و آرامش درون فرد بخشاینده را لحاظ کرد و توجهی به وضعیت فرد خاطی در فرایند بخشودن نداشت و یا باید خیر و صلاح و رها شدن فرد خاطی را در نظر گرفت و آلام و اندوه قربانی را نادیده گرفت. گویا تبیین این چنینی دلایل، جمع بین آسودگی و رهاشدگی هر دو طرف را در این مسئله ممکن نمی‌بیند؛ حال آنکه در تبیین این مسئله می‌توان گفت بخشودن هم، مانند سایر فضایل، امری

تشکیکی و دارای مراتب است. مرتبه پایین آن فقط در گذشتن از خطای فرد است. می توان این مرحله را «عفو حقوقی» نامید که با همراه داشتن نفرت نسبت به خطا کار قابل جمع است. مرتبه بالاتر آن، پاک کردن درون از کینه و نفرت نسبت به شخص خطا کار است؛ دور کردن خشم و تنفر و پیراستن درون از چنین اموری در بخشش، گامی فراتر است و آن را می توان «عفو اخلاقی» نام نهاد. آیات و روایاتی که از واژه صَفْح استفاده کرده اند، عموماً ناظر به این نوع از بخشودن و عفو هستند: «به نیکویی در گذر»^۱ (حجر / ۸۵)؛ «باید خطای آنان را ببخشند و از لغزش هایشان چشم پوشی کنند»^۲ (نور / ۲۲). در مراتب بالاتر، علاوه بر در گذشتن از خطای شخص خطا کار و عدم سرزنش و عتاب او، خیرخواهی، شفقت و احسان نیز نسبت به وی روا داشته می شود: «قال رسول الله في خطيئة: ألا أخبركم بخير خلائق الدنيا والآخرة، العفو عمن ظلمك و تصل من قطعك و الإحسان إلى من أساء إليك و إعطاء من حرمك» (کاشانی، ۱۴۲۶، ج ۵، ص ۳۷۴)؛ «معنای عفو این است که از شخص گناهکار چشم پوشی و اغماض کرده و به ظاهر او را ملزم به خطا و گناهش نمایی و آنچه از اهانت و ضرر و ناراحتی به تو رسیده از صمیم قلب ببخشی و علاوه بر آن احسان و نیکی نمایی»^۳ (گیلانی، ۱۳۷۷: ف، ص ۳۷۳؛ مجلسی، ۱۴۲۵، ج ۶۸، ص ۴۲۳)؛ «کسی که بر فردی که بر او ظلم روا داشته، دعا کند (برای او طلب خیر نماید)، پیروز است»^۴ (الکاشانی، ۱۴۲۶، ج ۵، ص ۳۷۳). در همه این مراتب، بخشش خطا و عدم پیگیری آن از سوی مظلوم و قربانی صورت گرفته است، اما آنچه بالاترین مرحله آن را به یک فضیلت تام بدل می کند همراه نمودن این گذشت با خیرخواهی و شفقت است.

۲-۲. شرایط بخشودن

مسئله دیگری که به نظر می رسد باید مورد توجه قرار گیرد آن است که آیا در اعمال فضایل به طور عام، و بخشودن به طور خاص، قابلیت قابل لحاظ شود؟ یعنی فرد خطا کار باید به نوعی، استحقاق بخشوده شدن را داشته باشد؟ آیا میزان و نوع خطای انجام یافته و حالات و رفتار شخص خطا کار، مانند پشیمانی او، قصد جبران و یا... باید در بخشودن فرد، مورد توجه قرار گیرد؟ مسلماً بخشیدن هر خطا کاری با هر درجه از خطا و لغزش، به صورت مطلق، نمی تواند امری پسندیده باشد؛ چه رسد به اینکه فضیلتی اخلاقی محسوب گردد. دلایل مخالفان بخشودن که ذیلاً به آن خواهیم پرداخت، حاکی از آن است که برخی، عفو و بخشش را به طور کلی، چه به لحاظ اخلاقی و چه روانشناختی، جایز نمی دانند؛ اما این مسئله با روح آموزه های ادیان سازگار نبوده و در متون و نصوص دینی برای در گذشتن از خطای خطا کار، نه به صورت مطلق، بلکه با چارچوب ها و شرایط خاصی در نظر گرفته شده است: اول آنکه شخص خطا کار،

۱. فَاصْحِ الصَّحَّ الْجَمِيلِ.

۲. وَلْيَعْفُوا وَلْيَصْفَحُوا.

۳. تفسیر العفو أن لا تلزم صاحبك فيما أجرم ظاهراً و تنسى من الأصل ما أصبت منه باطناً و تزيد على الإختيارات إحساناً.

۴. مَنْ دَعَا عَلِيَّ مَنْ ظَلَمَهُ فَقَدْ انْتَصَرَ.

اقرار و اعتراف به خطای خود داشته و دیگر اصراری بر انجام آن نداشته باشد: «عفو و گذشت سزاوار کسی است که به خطای خود اعتراف و اقرار کند، نه کسی که اصرار بر انجام خطایش دارد»^۱ (مجلسی، ۱۴۲۵، ج ۷۵، ص ۸۹؛ عاملی، ۱۳۷۹، ص ۱۸). دوم آنکه پشیمان و عذرخواه از عمل خود باشد و آن را اظهار کند، امیرالمومنین (ع) می‌فرماید: «اگر کسی از تو عذرخواهی کرد، عذر او را بپذیر تا شفاعت شیعیان نصیب تو گردد»^۲ (صدوق، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۳۹۱)؛ «عذر» عذر بردارت را بپذیر و اگر برای خطای خود عذری نداشت، تو برای او عذری بتراش»^۳ (صدوق، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۶۲۲؛ حرّانی، ۱۴۰۴، ص ۱۱۲). بیان اخیر حاکی از آن است که صرف پشیمان بودن شخص خطاکار و حتی تکاپوی وی برای فراهم کردن عذری برای جبران خطا کفایت می‌کند؛ گرچه نتواند دلیل قانع‌کننده‌ای برای انجام آن ارائه کند. بر همین اساس حضرت توصیه می‌کند که علاوه بر بخشودن خطاکار، وی را به لحاظ روانی مدد رسانده و با تراشیدن عذری، او را در آرامش روحی و رها شدن وجدانش یاری کنید: «اگر شخصی از طرف راست تو آمد و ناسزا گفت و سپس برگشت و از طرف چپ تو عذرخواهی نمود، عذر او را بپذیر»^۴ (مجلسی، ۱۴۲۵، ج ۷۵، ص ۱۴۱؛ کلینی، ۱۳۶۲، ج ۸، ص ۱۵۳). سوم آنکه فرد خطاکار، شایسته و بزرگوار باشد، نه شخصی پست و دون‌مقدار، به این معنا که بزرگی و کرامت ذاتی فرد خطاکار، سبب می‌شود وی نسبت به عمل نامناسب خود شرم‌منده و خجل بوده و نیز لطف و بخشش بخشاینده را در حق خودش به خوبی درک کند به گونه‌ای که چنین برداشتی، اصلاح او را در پی خواهد داشت، حال آنکه فرد دون‌مقدار و پست، چه بسا آن را وظیفه‌ی فرد مظلوم تلقی کرده و جسارت و تجری او را نسبت به انجام عمل خطا افزایش دهد: «عفو و گذشت همانقدر که بزرگوار را اصلاح می‌کند، فرومایه را تباه می‌سازد»^۵ (مجلسی، ۱۴۲۵، ج ۷۵، ص ۹۳؛ کراچکی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۱۸۲). دیگر آنکه شخص خطاکار از سر ناآگاهی و جهالت مرتکب خطا و ظلم شود، نه آگاهانه و تعمداً؛ حضرت علی (ع) می‌فرماید: «آنکه با بصیرت بر زشتی گناه آن را مرتکب شود، سزاوار عفو نیست».

تیین وجودشناختی (روانشناسی اخلاق) بخشودن چیست؟ آیا همزادپنداری است؟ آیا ترحمی فعلی است یا انفعالی؟ در صورت انفعالی بودن، ادامه و استمرار آن از دست ما خارج خواهد بود؛ اما در حالت فعلی، در کنترل ماست. اگر به هنگام بخشایش، علاوه بر نفس و روح ما، بخشی از مغز ما هم فعال می‌شود، آن کدام قسمت مغز است؟ تفاوت در عاطفی یا استدلالی دانستن بخشودن، موجب تفاوت در نظریه تربیت افراد خواهد بود. در صورت عاطفی بودن باید برای تربیت شخص بخشایشگر، مراکز احساسی او تحریک شود و در صورت عقلانی بودن باید مراکز مربوط به ادراک عقلانی او

۱. العفو عن المقرّ لا عن المصرّ.

۲. إقبل من متصلّ عذره فتتالك الشفاعة.

۳. إقبل عذر أخیک فإن لم یکن له عذر فالتمس له عذراً

۴. إذا شتمک رجل عن یمینک ثمّ تحوّل عن یسارک و اعتذر فاقبل عذره.

۵. العفو یفسد من اللّیثم بقدر اصلاحه من الکریم.

مورد خطاب قرار گیرد. به هر حال، موقعیت‌هایی که در زندگی واقعی برای بخشودن پیش می‌آید، با تصویر آرمانی و رماتیک همخوانی نداشته و دشواری‌های عاطفی، احساسی و عقلانی بخشودن را به طور واضح نمایان می‌کند و اینجاست که استدلال‌های علیه بخشودن قوت می‌یابند.

۲-۳. دلایل مخالفان بخشودن

در کنار توصیه غالب در سنت دینی، اعم از مسیحیت و اسلام، بر بخشودن و در نظر گرفتن پاداش‌های بزرگ دنیوی و اخروی برای بخشندگان - (از قبیل روایاتی چون: «هر کس عفو گذشت نماید، خداوند نیز از او خواهد گذشت» (مجلسی، ۱۴۲۵، ج ۷۴، ص ۱۳۵؛ پاینده، ۱۳۸۲، ص ۷۳۴)؛ «بر شما باد عفو و گذشت، چرا که عفو بر عزت و سرفرازی بنده می‌افزاید؛ ببخشید تا خداوند عزیز و سرفرازتان گرداند»^۲ (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۱۰۸؛ مجلسی، ۱۴۲۵، ج ۶۸، ص ۴۰۱)) - در مواردی، بخشودن به مثابه ضعفِ نفس و بزدلی محسوب می‌شود و آن را با دشواری‌های زیادی مواجه می‌سازد. در مسیحیت، سنت و قاعده شرافت و شهسواری که مستلزم انتقام‌گیری از فرد موهن به شرف است، همواره وجود داشته است؛ همچون مقاومت در برابر تجاوز، تحقیر زندگی آسوده به بهای فدا کردن عزت و کرامت نفس، انگاره احترام به خویشان و ... در چنین نگاهی، بخشودن می‌تواند عملی ناشی از ضعف نفس، بزدلی، سست عنصری و ... تلقی گردد. چنین نگاه تحقیرآمیز به بخشودن را می‌توان در آثار نویسندگانی همچون نیچه شاهد بود (گارارد و مک ناتون، ۱۳۹۲، ص ۶۳-۶۲).

از نظر نیچه، بخشش آزاردهندگان، نادیده گرفتن عزت نفس است. وی با نقد دل‌رحمی و نازک‌دلی، بخشودن را نوعی تظاهر می‌داند که افراد ضعیف برای نشان دادن توانایی‌های افراد قوی به کار می‌گیرند و این کار نه تنها تحسین‌برانگیز نیست، بلکه ناشی از انگیزه‌های حقارت‌بار و بی‌صداقتی است (نیچه، ۱۳۹۰، ص ۱۶۵).

استدلال‌های علیه بخشودن، سه جنبه اصلی دارند که شامل مشکلات برداشت شفابخشانه از بخشودن، تضاد میان انتقام و عدالت و اهمیت احترام به قربانی است.

۲-۳-۱. مشکلات برداشت شفابخشانه

برخی از افرادی که قربانی ظلم‌ها، ستم‌ها و شکنجه‌های بزرگ شده‌اند، برداشت شفابخشانه از بخشودن را برداشتی سطحی، تحمل‌ناپذیر و بازی با الفاظ می‌دانند. در حقیقت، سخاوتمندانه و بلندنظرانه تلقی کردن بخشودن، به زیان قربانیان است و واکنش عملی آنها به تجاوزها و ستم‌ها را بی‌اعتبار جلوه می‌دهد. در نتیجه، چنین توصیه‌ای نه تنها نابجا،

۱. من یعف، یعف الله عنه.

۲. علیکم بالعفو فإن العفو لا یزید العبد إلا عزاً فتعافوا یعزکم الله.

بلکه کاملاً غیر اخلاقی است. باید دانست که حتی اگر بخشودن، شفاعت باشد، باز تنها راه تشفی خاطر قربانیان نیست. گاهی انتقام گرفتن، تشفی بخش است و احساس رضایتی را برای مظلوم و قربانی به همراه خود می آورد و از شدت تلخی و نفرت آنان می کاهد. لذا آنچه جامعه بدان نیاز دارد، عدالت است، نه بخشودن؛ تا با حفظ احساس انزجار و مجازات مرتکبان اعمال خطا، مانع تکرار فجایع در جامعه بوده و صلح و ثبات اجتماعی را برقرار کند (گارارد و مک ناتون، ۱۳۹۲، ص ۷۲-۷۰). در متون دینی نیز بر مقابله به مثل، اجرای عدالت و حتی قصاص در جهت جلوگیری از تجرّی و جسارتِ خطاکاران و ظالمان و نیز تشفی خاطر قربانیان و مظلومان تأکید شده است: «پس هر کس بر شما تعدّی کرد، شما نیز به مثل آن بر او تعدّی کنید»^۱ (بقره/ ۱۹۴)؛ «در تورات بر یهودیان مقرر داشتیم که جان در برابر جان و چشم در برابر چشم و بینی در برابر بینی ...»^۲ (مائده/ ۴۵)؛ «و لَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ»^۳ (بقره/ ۱۷۹). بنابراین، از منظر این گروه، اولاً، بخشودن آنگونه نیست که همواره چه در سطح فردی و چه در سطح اجتماعی شفاعت ادعا شده را در پی داشته باشد؛ ثانیاً، اگر بخشودن، شفاعت باشد تنها راه دست یافتن به این تأثیرات شفاعت‌شانه نیست.

۲-۳-۲. تضاد بین عدالت و انتقام

گاه نگاه یکسونگرانه به بخشودن سبب می شود که دلایل علیه بخشودن، واکنشی احساسی محسوب شود و عدم کمال و ناپختگی اخلاقی افرادی تلقی گردد که خواهان مجازات و برقراری عدالت در مورد مرتکبان به اعمال خطا هستند. قربانی نباید آسودگی ذهنی خود را در اولویت قرار دهد، بلکه در نظر او باید اجرای عدالت، یا فی نفسه و برای علاج نقض اصول اخلاقی، اخلاقاً الزام آور باشد و یا در جهت احساس وظیفه نسبت به افرادی که مورد ظلم و ستم قرار گرفته اند، در اولویت قرار گیرد. چنین قربانیانی، آسودگی روانی خویش را فدای حس بزرگ عدالت، نه انتقام جویی، می کنند. معادل پنداشتن اصرار بر اجرای عدالت و اصرار بر انتقام جویی خطاست. گرچه عدالت و انتقام در اینکه خطاکار باید به سزای اعمال خود برسد همپوشانی دارند؛ اما به لحاظ اخلاقی تفاوت‌های زیادی دارند. انتقام معمولاً شخصی و خصوصی است؛ همراه با لذتی از تحمیل رنج بر فرد ستمکار است؛ اغلب کیفری نامتناسب و بیش از حد به همراه دارد؛ و در نهایت، هدف از آن احساس تشفی و رضایت خاطر از رنج خطاکار است؛ اما عدالت امری عمومی است؛ مقوله لذت بردن از تحمیل رنج بر ستمکار در آن مطرح نیست؛ در اجرای آن تناسب با عمل خطا لحاظ می شود و هدف اصلی از آن، تصحیح خطا و رفع آن است. از همین روی، عدالت مفهومی کاملاً اخلاقی است (گارارد و مک ناتون، ۱۳۹۲، ص ۷۶-۷۳). خداوند امر به عدالت نموده و بر اجرای قانون تأکید دارد، چرا که آن را حق مسلم مظلوم و

۱. فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَى عَلَيْكُمْ.

۲. وَ كَتَبْنَا عَلَيْهِمْ فِيهَا أَنْ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ وَالْعَيْنَ بِالْعَيْنِ وَالْأَنْفَ بِالْأَنْفِ.

۳. ای خردمندان برای شما در قصاص حیاتی نهفته است.

آسیب دیده محسوب می‌کند: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ»^۱ (نحل / ۹۰). عدالت، به مثابه قانون و ضامن امنیت نظام و کنترل خطاکاران است؛ به عبارت دیگر، در تکالیف قانونی، همواره عدالت مورد نظر است؛ اما در نظام دینی، با وجود ضرورت اجرای عدالت برای سلامت جامعه و تشفی خاطر قربانیان، باز بخشش و احسان نسبت به خطاکار، فراتر از حد تکلیف و وظیفه بوده و به لحاظ اخلاقی ارزشمندتر و انسانی‌تر به‌شمار آمده است؛ در عین حال همواره از انتقام به عنوان رذیلت اخلاقی و اوصاف اشخاص پست و دون‌مایه نام برده شده است: «عجله و شتاب در انتقام، روش افراد پست و کم‌مقدار است»^۲ (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۴۶۵)؛ «زشت‌ترین عیب‌ها، کم‌گذشت بودن و بزرگ‌ترین گناهان عجله در انتقام گرفتن است»^۳ (همان).

۲-۳-۳. احترام به قربانی

اگر ما بر این باور باشیم که بخشودن، برای فرد قربانی و نیز جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند، امری نیکو و پسندیده است و در این میان به اجرای عدالت و پیامدهای خوب آن برای قربانی و جامعه توجه نکنیم، عملاً به این معناست که رنج قربانیان به لحاظ اخلاقی برای ما اهمیت زیادی نداشته و ما در تحقیر مقام و موقعیت انسانی آنها، با متعرضان همراه و همدست شده‌ایم. داشتن هر عقیده‌ای، احساسات متناسب با خود را طلب می‌کند؛ شخصی که نظاره‌گر وقوع آزار و ستم شدیدی است، اگر دستخوش خشم و تغییر نشود، هم به لحاظ احساسی و هم از نظر عقیدتی و معرفتی، گرفتار نقص و خلل است. بر این اساس، بخشش آسان سبب می‌شود ما نتوانیم وخامت صدمات وارده را درست درک کنیم؛ به این معنا که کسی که آسان می‌بخشد با این کار نشان می‌دهد درک درستی از وزن و اهمیت اخلاقی تعرض و خطاکاری فرد ستمکار و متعرض ندارد؛ لذا آنچه در درجه اول اهمیت دارد، درک درست از ماهیت واقعی ستمگری و تعرض صورت گرفته و در پی آن، درک و اکنش متناسب با آن است که عبارت است از: خشم، تفر و بی‌زاری (گزارار و مک ناتون، ۱۳۹۲، ص ۸۴-۷۹).

همانگونه که ملاحظه شد دلایل علیه بخشودن، در واقع دلایلی قوی هستند؛ اما می‌توان برای آنها پاسخی فراهم کرد. در کشمکش بین بخشودن و یا انتقام و یا سپردن امور به دست عدالت، باید دانست بخشودن راهی است که برای اکثر افراد و در اغلب موارد کاری سهل و آسان نیست. انتقام و حفظ خشم و کینه، گرچه معمولاً برای مظلومین و قربانیان پسندیده است، اما رضایت درونی و آرامش روانی مطلوب را به همراه ندارد. اجرای عدالت، گرچه برای حفظ نظم در جامعه به لحاظ اخلاقی بسیار مهم و حیاتی است، اما در مواردی برای کنترل منازعات و پیشگیری از پیامدهای بد آن چندان کارساز نیست؛ مانند زمانی که عواقب اجرای عدالت در مورد شخص و یا اشخاص خطاکار، برای جامعه قابل

۱. خداوند به شما فرمان می‌دهد تا برای پدید آمدن جامعه‌ای صالح، با مردم به عدل و داد رفتار کنید و به آنان نیکی کنید.

۲. معالجه الإنتقام من شییم اللئیم.

۳. قلة العفو اقیح العیوب و التسرع إلى الإنتقام أعظم الذنوب.

تحمل نبوده و افراد زیادی در پی آن، آسیب‌های جدی خواهند دید؛ زیرا جان مظلومان و قربانیان آینده، به هیچ وجه، اهمیت کمتری از جان قربانیان گذشته ندارد.

۳. برتری فضیلت بخشودن

با وجود کشمکشی که به هنگام ستم بر شخص، همواره بین بخشودن، انتقام و یا اجرای عدالت وجود دارد، به نظر می‌رسد هم بر اساس توصیه‌ها و آموزه‌های دینی و اخلاقی و هم دعوت ندای درونی فرد، بخشودن بر دو رقیب خود برتری و ترجیح دارد. با اینکه به لحاظ اخلاقی، همه انسان‌ها مسئول اعمال و انتخاب‌های خود هستند و دقیقاً به همین جهت، سزاوار تحسین و تقبیح، و پاداش و جزایند، اما همین انسانیت مشترک، خطاکاری، ظلم، جهل و ... را به عنوان جزء جدایی‌ناپذیر از انسان به دنبال دارد: «إِنَّهٗ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا»^۱ (احزاب / ۷۲). هر یک از ما انسان‌ها ممکن است تحت شرایط روحی خاص و یا اوضاع و احوال اجتماعی و ...، خواسته و ناخواسته، مرتکب خطا و ستم بزرگ و کوچکی شویم. این مسئله‌ای انکارناپذیر است؛ اما به نظر می‌رسد همین اشتراک در طبیعت، می‌تواند راه را برای بخشودن هموارتر کرده و توجیه مناسبی را برای بخشودن فرد خطاکار و ستم‌پیشه فراهم آورد. «إِنْ تَعْفُوا أَقْرَبَ لِلتَّقْوَى»^۲ (بقره / ۲۳۷). این آیه و آموزه‌های مشابه به وضوح حکایت از آن دارد که با وجود آنکه ستم‌دیده و قربانی می‌تواند طالب اجرای عدالت باشد، اما عفو و گذشت، نه تنها جایز و رواست، که بسیار پسندیده و به تقوی نزدیک‌تر است. همواره، گذشت، شفقت، احسان و خیرخواهی بهتر از نفرت، انتقام و بدخواهی است. «الَّذِينَ يُنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظِ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ»^۳ (آل عمران / ۱۳۴). شاید به ظاهر در این میان، حقوق قربانی و مظلوم نادیده گرفته شده و به آن اهمیتی داده نشود؛ اما علاوه بر پیامدهای دنیوی این بخشش، اعم از اثرات فردی و اجتماعی، یقیناً ثمرات اخروی آن، دائمی و بسیار چشمگیرتر خواهد بود. همچنین تأکید و درخواست خدا و فرستادگان او و نیز سنت قوی پیامبران و بزرگان دین بر بخشودن، و نیز تحسین شخص بخشنده، نشان از آن است که بخشودن در همه شرایط، کاری سهل و آسان نبوده و همچون دیگر فضایل اخلاقی نیاز به تهذیب درون، تلاش، تمرین و ممارست فراوان دارد.

برای تحقق این فضیلت بزرگ، نکات راهگشا و تسهیل‌کننده‌ای در تعالیم دینی آورده شده که ذیلاً به بیان آنها خواهیم پرداخت:

نکته اول: از بحث‌های تربیتی و اخلاقی مهم در مواجهه با رذایل اخلاقی، بحث «تغافل» است. بر اساس آموزه‌های

۱. همانا او (انسان) ستم‌پیشه و جاهل بود.

۲. اگر عفو کنید به تقوی نزدیکتر است.

۳. متقین (کسانی هستند که در راحت و رنج انفاق می‌کنند و خشم خود را فرو می‌برند و از خطای مردم درمی‌گذرند و خداوند نیکوکاران را دوست می‌دارد).

دینی اولین گام در مورد خطای دیگران نسبت به خود، و حتی دیگران، نادیده گرفتن آن و یا به عبارتی، ندیدنِ عامدانه‌ی آن است. به نظر می‌رسد این مرتبه از بخشودن، بسیار سخاوتمندانه‌تر و بلندنظرانه‌تر از مراتبِ دیگر آن است؛ زیرا فرد ستم‌دیده با این عمل، عزت و شرفِ فرد خطاکار را حفظ کرده و عذرخواهی او را طلب نمی‌کند. همچنین، آرامش روانی خود را نیز بیشتر تأمین خواهد کرد. امیر المؤمنین (ع) می‌فرماید: «مِنْ أَشْرَفِ أَعْمَالِ الْكَرِيمِ عَفْلُهُ عَمَّا يَعْلَمُ»^۱ (نهج البلاغه، کلمه ۲۱۳)؛ «مَنْ لَمْ يَتَغَاوَلْ وَلَا يَغْضُ عَنْ كَثِيرٍ مِنَ الْأُمُورِ تَغَضَّتْ عَيْشُهُ»^۲ (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۴۵)؛ «تَغَاوَلْ يُحَمَّدُ أَمْرُكَ»^۳ (همان).

نکته دوم: آنکه عفو و بخشش را محدود به نزدیکان، هم‌دینان و هم‌کیشان و ... نکرده و حتی نسبت به کافران و منکران قیامت نیز گذشت داشته باشد: «قُلْ لِلَّذِينَ آمَنُوا يَغْفِرُوا لِلَّذِينَ لَا يَرْجُونَ أَيَّامَ اللَّهِ»^۴ (جاثیه/ ۱۴). بیان آیه حکایت از آن دارد که در گذشت و بخشش، باید انسانیت مشترک و اینکه همه عضو یک خانواده بشری هستیم، مدنظر باشد؛ نه قربت فامیلی و دینی و ...

نکته سوم: بخشش باید کاملاً خالصانه و بدون هرگونه منت و آزاری نسبت به فرد خطاکار انجام پذیرد. اساساً در انجام هر عمل فضیلت‌مندانه‌ای، یکی از شروط بنیادین آن، انجام آن فعل به جهت حُسن، زیبایی و درست بودن خود آن فعل است. در این صورت، یقیناً بدون هرگونه منت‌گذاری و اذیت و آزار خواهد بود: «قَوْلٌ مَعْرُوفٌ وَمَغْفِرَةٌ خَيْرٌ مِنْ صَدَقَةٍ يَتَّبِعُهَا أَذَى»^۵ (بقره/ ۲۶۳).

نکته چهارم: مباحثی که در باب عفو و گذشت طرح شد، عموماً در مواردی است که خطای صورت گرفته سبب تعلقِ حدّ شرعی بر خطاکار نشده باشد و نیز به بزرگواری و آزادگی در دین آسیبی نزنند؛ به عبارت دیگر، منجر به عدم غیرت و حمیت در دین نشود. علامه قزوینی، غیرت و حمیت در دین را عبارت از حفظ دین از شبهات منکران و بدعت‌گذاران و نیز تلاش در جهت نشر، ترویج و اجرای احکام دین و عدم مسامحه در آن می‌داند (قزوینی، ۱۳۸۰، ص ۱۹۱) و بر این باور است که بی‌تردید سکوت و عفو، به‌طور مطلق، افضل و جزء فضایل است؛ مادامی که منجر به عدم غیرت و حمیت در دین نگردد^۶ (همان، ص ۱۵۴). در حدیثی از قول عایشه آمده است که هرگز پیامبر اکرم (ص) را ندیدم که در مورد ظلمی که بر ایشان روا داشته می‌شود، گذشت نکند؛ مگر آنکه هتک حرمتی از محارم الله در آن

۱. از شریف‌ترین اعمالِ فرد بزرگوار، نادیده گرفتن دانسته‌های خود از (عیوب) دیگران است (نهج البلاغه / کلمه ۲۱۳).

۲. کسی که تغافل نکند و از بسیاری از امور چشم‌پوشی ننماید، زندگی منغض و ناگواری خواهد داشت.

۳. برخی از امور (ناگواری‌ها) را نادیده بگیر تا کارهایت ستوده گردد.

۴. ای پیامبر به کسانی که ایمان آورده‌اند بگو: از بدرفتاری‌های گردنکشان که به روزهای خدا امید دارند درگذرند و متعرض آنان نشوند.

۵. سخن نیکو گفتن و درگذشتن از خطا، بهتر از صدقه‌ای است که آزاری در پی آن باشد.

۶. لاریب أن السكوت و العفو مطلقاً أفضل مالم ینجرّ إلى عدم الغيرة و الحمیة.

صورت پذیرفته باشد (کاشانی، ۱۴۲۶، ص ۳۷۳).^۱ در حدیث دیگری به نقل از امام باقر(ع) آمده است: «به جز شخص امام(ع) کسی نمی‌تواند از اجرای حدود در مورد حق الله گذشت نماید؛ اما اگر اجرای حدود در مورد حق الناس باشد، غیر از امام، اشخاص دیگر نیز می‌توانند از اقامه آن درگذرند» (صدوق، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۷۳).

۴. پیامدهای بخشودن

بخشودن، علاوه بر آثار و ثمرات اجتماعی، پیامدهای مثبت فردی قابل اعتنایی دارد که ذیلاً به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

- جلوگیری از خشونت و کینه‌توزی در جامعه: به فرموده رسول اکرم(ص)، عفو و گذشت از تسلسل ناهنجاری‌ها، خشونت‌ها، جنایت‌ها و کینه‌توزی‌ها جلوگیری می‌کند (متقی، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۳۷۳، حدیث ۷۰۰۴)؛ «إِيَّاكُمْ وَالْخُصُومَةَ فَإِنَّهَا تَشغَلُ الْقَلْبَ وَتُورِثُ التَّفَاقُ وَتَكْسِبُ الضَّعَائِنَ» (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۳۰۱).

- ایجاد صلح و سازش و استحکام پیوندهای اجتماعی: خداوند در سوره نساء می‌فرماید: «اگر زنی از ناسازگاری یا رویگردانی شوهرش بیم داشته باشد، بر آن دو گناهی نیست که او با گذشت از بخشی از حقوقش، میان خودشان صلح و سازش برقرار کنند و سازش بهتر [از جدایی] است» (نساء/ ۱۲۸).

- مغفرت و بخشش الهی: در متون دینی اعم از آیات و روایات، یکی از مهم‌ترین و ارزشمندترین پیامدهای گذشت، به دنبال داشتن غفران الهی است. شاید بتوان گفت که محتوای اغلب این متون، در عین حال که تشویقی بزرگ برای بخشاینده‌گان به حساب می‌آید، خوفی عظیم هم در افرادی که نمی‌بخشند ایجاد می‌کند؛ زیرا حاکی از آن است که این افراد نباید امیدی به بخشش و مغفرت الهی داشته باشند. «وَلِيَعْفُوا وَلِيَصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (نور/ ۲۲).^۲

- جلب گذشت دیگران: یکی از مهم‌ترین آموزه‌های اخلاقی که هم در متون دینی (انجیل متی، ۷: ۱۲) و هم در آثار اخلاقیون، به کرات، مورد تأکید قرار گرفته است و حکایت از وجدان بیدار و فطرت‌های رشد یافته می‌کند، آن است که با دیگران چنان رفتار کنید که دوست دارید دیگران با شما آنگونه رفتار کنند: «إِرْضِ مِنَ النَّاسِ بِمَا تَرْضَى لَهُمْ مِنْ نَفْسِكَ» (مجلسی، ۱۴۲۵، ج ۷۲، ص ۲۹). بر این اساس، اگر کسی به هنگام خطا و لغزش، طالب و دوستدار گذشت دیگران است، خود نیز باید از خطای دیگران بگذرد. رعایت این آموزه، به گسترش صلح و دوستی و آرامش روانی جامعه کمک قابل توجهی خواهد کرد؛ همانطور که متون دینی آمده است: «إِذَا أَسَىءَ إِلَيْكُمْ فَأَعْفُوا وَاصْفَحُوا كَمَا تُحِبُّونَ أَنْ يُعْفَى عَنْكُمْ»؛ «اگر کسی به شما بدی کرد شما چشم‌پوشی کنید و گذشت نمایید؛ همانطور که دوست دارید دیگران

۱. ما رأيت رسول الله(ص) منتصراً من مظلمة ظلمها قطّ مالم ينتهك حرمة من محارم الله فإذا انتهك من محارم الله شيء كان أشدهم في ذلك غضباً و.....

۲. باید خطای آنان را ببخشند و از لغزش‌هایشان چشم‌پوشی کنند. آیا دوست ندارید که خدا گناهانتان را ببامزد؟ و خداوند آمرزنده و مهربان است.

نسبت به شما گذشت داشته باشند» (حرانی، ۱۴۰۴، ص ۱۵۱؛ مجلسی، ۱۴۲۵، ج ۷۴، ص ۲۹۴).

- وصول به مقام متقین: هدف و غایت عبادت، رسیدن بندگان به مقام پرهیزگاران است. به طور قطع، وصول به این مرتبه، مجاهدت و تلاش زیادی را طلب می کند؛ اما خداوند راه کوتاه تر و مطمئن تر را معرفی می کند که عبارت است از عفو و گذشت: «وَأَنْ تَعْفُوا أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَ لَا تَتَسَوَّأَ الْفَضْلَ بَيْنَكُمْ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» (بقره/ ۲۳۷)¹.

- تقویت اراده: یکی از نشانه های اولیاء الله و نیز انسان های با فضیلت، اخلاق مدار و مهذب، داشتن اراده قوی است. خداوند دو راه را برای تقویت اراده و عزم در امور معرفی می کند: صبر و گذشت. صبر و شکیبایی در برابر ناگواری ها و ناملایمات، و عفو و گذشت از ستم ها و خطاها، جز از اراده های قوی بر نمی آید و حاکی از قدرت روحی و نیز تسلط فرد بر نفس خود است. انسان های دون همت و پست، هرگز قادر بر چنین عملی نخواهند بود. البته با نگاهی دقیق، شاید بتوان گفت هر دو راه، در واقع، یک مسیر بیش نیست: «وَلَمَنْ صَبَرَ وَ غَفَرَ أَنْ ذَلِكُمْ لَمِنَ عَزْمِ الْأُمُورِ» (شوری/ ۴۳)².

- تبدیل دشمنان به دوستان و خویشان: جامعه ای که کدورت، دشمنی و بدخواهی در آن ریشه دوانیده باشد، هرگز طعم سلامت روح و آرامش درون را نخواهد چشید. صلح و آرامش جامعه، مرهون سلامت روانی، تسامح و تساهل تک تک افراد آن جامعه است. پاسخ ندادن هر بدی با بدی، هر ستم با ستم مقابل آن؛ عفو، گذشت و بالاتر از آن نیکی و خیرخواهی نسبت به خطاکاران؛ هم برخاسته از نفس سازگار و در صلح و آرامش است و هم ضامن صلح و سازگاری جامعه؛ چرا که تا درون انسان به سازواری و تصالح نرسد، هرگز قادر نخواهد بود در بیرون به ایجاد آنها اقدام کند. از همین روست که خداوند انسان را به عدم مقابله بدی با بدی و پاسخگویی آن با نیکی فرا خوانده و ثمره آن را تبدیل دشمنان به دوستان و حظ عظیم ذکر می کند: «وَلَا تَسْتَوِ الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ» (فصلت/ ۳۴)³؛ رسول اکرم (ص) می فرماید: «عفو و گذشت سبب سلامت روح و آرامش جان و طول عمر خواهد شد» (مجلسی، ۱۴۲۵، ج ۷۲، ص ۳۵۹، محمدی ری شهری، ۱۳۸۴، ج ۳، ص ۲۰۱۳).

- شتاب به سوی بهشت الهی و بخشش پروردگار: خداوند بهترین پاداش اخروی خود را که سکنی دادن بندگان در بهشت و بخشش خطاهای آنان است، برای پرهیزگاران وعده داده است و در توصیف بندگان پرهیزگار خود، آنان را افرادی معرفی می کند که انفاق می کنند؛ خشم خود را کنترل می کنند؛ از خطاهای دیگران درمی گذرند؛ و در مرتبه بالاتر آنکه در حق آنان احسان و خیرخواهی می کنند. این آیه، یکی از زیباترین و کاربردی ترین آیات اخلاقی قرآن است که سرعت و شتاب برای رفتن به بهشت الهی و بهره مندی از مغفرت و بخشش خداوند را در چهار گام به هم پیوسته معرفی

۱. گذشت شما به تقوا نزدیک تر است و در میان خود بخشش و بزرگواری را فراموش نکنید که خدا بر آنچه انجام کی دهید بیناست.

۲. هر کس شکیبایی کند و گذشت نماید، این از عزم در امور است.

۳. هرگز نیکی و بدی در جهان یکسان نیست؛ همیشه بدی انسان ها را به بهترین عمل پاداش ده تا همان کس که گویی با تو دشمن است، دوست و خویش تو گردد.

می‌کند: «وَسَارِعُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ * الَّذِينَ يُنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالْكَاظِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» (آل عمران/۱۳۳-۱۳۴)^۱. بخشودن دشوار است؛ اما درست به همین سبب، عملی فضیلت‌مندانه و بزرگ، حاکی از سخاوت و بزرگ‌منشی شخص، احترام او به انسانیت و نشان از مهر و عشق او به انسان‌هاست.

۵. نتیجه‌گیری

فضیلت بخشودن، کیفیت و شرایط آن، همواره موافقان و مخالفانی، همراه با دلایل و توجیحات قوی یا ضعیف، داشته است. برخی آن را، به طور مطلق و در هر شرایطی، فضیلتی اخلاقی می‌دانند و هر خطا کار و ستم‌پیشه‌ای را مستحق بخشش می‌شمارند. ایشان افرادی را که نمی‌بخشند، دارای نفوسی ضعیف و نامهربان با انسان‌ها معرفی می‌کنند. برخی دیگر چنین تفکری را نادیده گرفتن حق قربانی و ستم‌دیده می‌دانند و هر نوع بخششی را جری کردن خطا کار و افزودن جسارت او بر ستم و خطا تلقی می‌کنند و در بهترین حالت، بر اجرای عدالت پا می‌فشارند. در این نوشتار پس از بررسی ادله موافقان و مخالفان، آنچه حاصل آمد این بود که با وجود آنکه عدالت و اقامه آن در جامعه، سبب استواری نظام، کنترل جنایت‌کاران و ستم‌پیشگان، امنیت جامعه، تشفی خاطر قربانیان و ... است، بخشودن و گذشت، گرچه امری بسیار دشوار بوده و همچون فضایل دیگر نیاز به ممارست فراوان، تهذیب درون و ... دارد، اما با شرایطی که هم در مورد فرد خطا کار و هم نوع خطا بیان شد، فضیلتی بزرگ و ناشی از سخاوت، بلندنظری، بزرگ‌منشی و در یک کلام پرهیزگاری شخص است. بر این اساس، هر بخشودنی، فضیلت نبوده و هر عدم بخششی، ناشی از ضعف نفسانی و روحیه انتقام‌جویی نیست.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. بشتابید به سوی مغفرت پروردگار خود و به سوی بهشتی که پهنای آن همه آسمانها و زمین را فرا گرفته و مهیا برای پرهیزگاران است، کسانی که از مال خود به فقرا در حال وسعت و تنگدستی انفاق می‌کنند و خشم و غضب خود فرونشانند و از بدی مردم درگذرند؛ خداوند دوست‌دار نیکوکاران است.

منابع

- قرآن کریم. (۱۳۸۹). ترجمه سید محمدرضا صفوی، قم: دفتر نشر معارف.
- انجیل متی. (۱۳۶۳). تهران: ناشر انجمن کتاب مقدس، چاپ سوم.
- صحیفه سجادیه. (۱۴۱۸). قم: نشر الهادی.
- آذرنوش، آذرتاش. (۱۳۸۵). فرهنگ معاصر عربی-فارسی. تهران: نشر نی، چاپ هفتم.
- ارسطو. اخلاق نیکوماخوس. (۱۳۸۵). ترجمه محمدحسن لطفی. تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ دوم.
- پاینده، ابوالقاسم. (۱۳۸۲). نهج الفصاحة (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول(ص)). تهران: دنیای دانش.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد. (۱۳۶۶). تصنیف غررالحکم و دررالکلم. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- حرّانی، ابن شعبه. (۱۴۰۴). تحف العقول عن آل الرسول(ص). قم: جامعه مدرسین.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). لغت نامه. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- راغب اصفهانی، حسن بن محمد. (۱۳۸۶). مفردات الفاظ القرآن. ترجمه مصطفی رحیمی نیا. تهران: نشر سبحان.
- صدوق، ابوجعفر محمدبن بابویه. (۱۳۶۲). الخصال. قم: جامعه مدرسین.
- _____ . (۱۴۰۰)، امالی شیخ صدوق. بیروت: ناشر اعلمی.
- _____ . (۱۴۰۴)، من لا یحضره الفقیه. قم: جامعه مدرسین.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۴۰۸). مجمع البیان. بیروت: دارالمعرفة.
- طوسی، نصیرالدین. (۱۳۸۵). اخلاق ناصری. تصحیح مجتبی مینوی و علیرضا حیدری. تهران: انتشارات خوارزمی، چاپ ششم.
- عاملی، شمس الدین محمد (شهید اول). (۱۳۷۹). الدرّة الباهرة من الأصداف الطاهرة. ترجمه عبدالهادی مسعودی. قم: انتشارات زائر.
- القرزونی، المولی محمد حسن. (۱۳۸۰). كشف الغطاء عن وجوه مراسم الإتهداء. قزوین: حوزه علمیه.
- الکاشانی، مولی محسن. (۱۴۲۶). المحجة البيضاء فی تهذیب الأحياء. قم: ناشر مؤسسه المعینین.
- کراجکی، ابوالفتح. (۱۴۱۰). کنز الفوائد. قم: دارالذخائر.
- کلینی، ابوجعفر محمدبن یعقوب. (۱۳۶۲). اصول کافی. تهران: نشر اسلامی.
- گارارد، ایو؛ مک ناتون، دیوید. (۱۳۹۲). بخشودن. ترجمه خشایار دیهیمی. تهران: نشر گمان.
- گیلانی، عبدالرزاق. (۱۳۷۷). مصباح الشریعة. تهران: پیام حق.
- متقی، علی بن حسام الدین. (۱۴۱۳). کنز العمال فی سنن الأقال و الأفعال. بیروت: مؤسسه الرساله.

- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۲۵). بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الأطهار. تهران: نشر اسلامیه.
- محمد بن شریف الرضی. (۱۳۸۷). نهج البلاغة. ترجمه محمد دشتی. قم: الهادی، چاپ: سی و دوم.
- محمدی ری شهری، محمد. (۱۳۸۴). میزان الحکمة. قم: دارالحديث.
- معین، محمد. (۱۳۸۶). فرهنگ معین. تهران: ناشر زرین.
- نجفی، ابوالحسن. (۱۳۷۱). غلط نویسیم (فرهنگ دشواری های زبان فارسی). تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- نراقی، ملا احمد. (۱۳۸۵). معراج السعادة. قم: موعود اسلام.
- نراقی، مولی مهدی. (۱۳۸۹). جامع السعادات. ترجمه سید جلال الدین مجتوی. تهران: انتشارات حکمت.
- نیچه، فردریش. (۱۳۹۰). فراسوی نیک و بد. ترجمه داریوش آشوری. تهران: انتشارات خوارزمی.
- واعظ کاشفی سبزواری بیهقی، کمال الدین حسین بن علی. (۱۳۹۳). اخلاق محسنی. تصحیح سید حسن نقیبی، قم: انتشارات زائر.

